

بازخوانی رویداد 6 جدی 1358 و نقش حفیظ الله امین به عنوان نخستین قربانی در این رویداد محمد اکرام اندیشمند

حمله نظامی شوروی در ششم جدی 1358 خورشیدی (27 دسامبر 1979) بر افغانستان در دوران حکومت یکصد و سه روزه حفیظ الله امین شکل گرفت. نخستین دسته های نظامی لشکریان شوروی در ظاهر، با دعوت و موافقت امین وارد افغانستان شدند، اما نخستین قربانی این دعوت، میزبان اصلی آنها حفیظ الله امین بود.

در حالی که تقاضای امین به حضور قوای شوروی و اقدام این قوا در قتل موصوف به عنوان دو موضوع متناقض و معما گونه ای در رویداد لشکر کشی شوروی جلب توجه می کند، نقش رهبران حزب دمکراتیک خلق افغانستان در تجاوز نظامی شوروی، نقش اصلی و تعیین کننده نبود. هرچند که حفیظ الله امین قوای شوروی را دعوت کرد و ببرک کارمل در پی ورود این نیروها به رهبری حزب و حاکمیت حزبی رسید، ولیکن آنها در این سقوط و صعود تنها یک قربانی محسوب می شدند. هرگاه از منظر قربانی شدن و حتی ابزار بودن در این رویداد به نقش رهبران حزب مذکور نگاه شود، سهم امین در ماجرای کشاندن پای ارتش سرخ به افغانستان بیشتر از همه است:

1 - امین؛ داعی و میزبان نیروهای شوروی:

حفیظ الله امین در زمان امضای معاهده میان عالی ترین هیئات دولت شوروی و افغانستان در پنجم دسمبر 1978 که به رهبری نورمحمد تره کی و برژنف صورت گرفت، بصورت رسمی نفر دوم دولت حزب دمکراتیک خلق بود. امین چه در دوران زمام داری نورمحمد تره کی و چه در زمان کوتاه رهبری و حاکمیت خودش بارها از شوروی خواستار اعزام نیروی نظامی به افغانستان شد. در یک سند محرمانه کی. جی. بی، نماینده آن از توافقات امین به چگونگی جابجایی نیروهای نظامی شوروی می نویسد:

« پیام از کابل (محرمانه ، عاجل)

بتاریخ 12 و 17 دسمبر (1979) نماینده کی. جی. بی به امین دیدار کرد، در گفته های امین مساله درخور توجه است:

امین مصرانه مفکوره لزوم بلافصل اتحاد شوروی در جلوگیری از عملیات رزمی باند ها در نواحی شمال جمهوری دمکراتیک افغانستان را بیان کرد، طرح های او از این قرار اند: رهبری کنونی افغانستان حضور نیروهای مسلح شوروی را در برخی از نقاط مهم استراتژیک در استانهای شمالی افغانستان خیر مقدم خواهند گفت. امین گفت:

1 - اشکال و روش های ارائه شده کمک نظامی بایست از جانب شوروی تعیین گردد.

2 - اتحاد شوروی میتواند پادگانهای نظامی در جاهای که خود آرزو دارد، بدست آورد.

3 - اتحاد شوروی میتواند کلیه پروژه های همکاری مشترک افغان شوروی را زیر محافظت بگیرد.

4 - سپاهیان شوروی میتواند راه های مواصلاتی جمهوری دمکراتیک افغانستان را زیر نگهبانی بگیرد. . . .

در سند دیگر از تقاضای امین به اعزام نیروی شوروی برای حفاظت از محل کار و اقامتش سخن می‌رود:

« . . . در روند گفتگو، امین خواهش خود مبنی بر گسیل یک گردان (کنک) از سپاهیان شوروی را برای نگرانی از شخص خود در مقر جدیدش (که او در نظر دارد پس از پانزدهم اکتوبر سال روان (1979) به آنجا کوچ کند) تکرار کرد. »

گروهی از دانشمندان انستیتوی تاریخ نظامی فدراسیون روسیه در کتاب "جنگ در افغانستان" که بخشی از اسناد سری را در مورد تقاضاهای پیهم تره کی و امین مبنی بر اعزام قوای شوروی بازگو کرده اند می‌گویند: اینگونه تقاضاها که از طریق نمایندگان شوروی فرستاده شده بود، نزدیک به بیست می‌رسد. هفت تقاضا از سوی امین پس از برکناری تره کی صورت گرفته بود. پروفیسور "پی یر آلن" آمر دیپارتمنت علوم سیاسی دانشگاه ژنو در کشور سوئیس و "دیتر کلی" همکار ارشد دیپارتمنت علوم سیاسی دانشگاه مذکور تقاضای تره کی و امین را مبنی بر اعزام قوای نظامی از شوروی با استناد به اسناد محرم از آرشیف حزب کمونیست شوروی و سازمان کی. جی. بی بیست و یکبار وانمود می‌کنند.

2 - حفیظ الله امین و سی.ای.ای (C.I.A):

اگر بسوی امین به عنوان عضو C.I.A نگاه شود و ادعای مخالفین حزبی او با ادعای دولت شوروی در آن دوران مورد توجه قرار گیرد، باز هم امین محرک اصلی تجاوز نظامی شوروی در بررسی نقش حزب دمکراتیک خلق و رهبران این حزب در این تجاوز محسوب می‌شود. شوروی در آن دوران، نفوذ به افغانستان همسایه جنوبی خود را بخشی از منافع و مصالح حیاتی خود تلقی میکرد. سپس با حاکمیت حزب دمکراتیک خلق سیاست نفوذ، جایش را به کنترل و سلطه به افغانستان داد. برای دولت شوروی روابط و تبانی امین با سی.ای.ای و پاکستان بر مبنای بریدن از شوروی و روی آوردن به غرب غیر قابل تحمل بود. حتی امریکایی‌ها نفوذ انحصاری شوروی را در افغانستان از حوزه منافع روس‌ها محسوب میکردند:

«گزارش وزارت خارجه ایالات متحده امریکا در سال 1972 نتیجه گیری میکند که: افغانستان با روسیه (شوروی) روابط طبیعی سیاسی، اقتصادی، تجارتي و کلتوری دارد. هر تلاشی که در جهت کاهش روابط افغان – شوروی برای پایین تر شدن از سطح طبیعی آن صورت گیرد، خلاف منافع هر دو طرف بوده، حالت بدست آمده دیری دوام نخواهد کرد.»

پاسخ درست و قانع کننده ای به این پرسش که آیا واقعاً میان امین و سی.ای.ای رابطه ای موجود بود، از همان نخستین روزهای حمله نظامی شوروی تا اکنون از سوی شوروی ها و مخالفان متخاصم امین در داخل جناح ها و شاخه های حزب دمکراتیک خلق ارائه نشده است.

حفیظ الله امین از نخستین روزهای حکومت خود در صدد تماس و مذاکره با دولت پاکستان شد. اشتیاق و علاقه او به برقراری روابط نزدیک با پاکستان هر روز افزایش میافت و در روزهای پایانی حکومت خود به دیدار و گفتگو با جنرال ضیاءالحق رئیس دولت پاکستان بی صبری بیش از حد نشان داد. آغا شاهی وزیر خارجه پاکستان بعداً به هریسن خبر نگار امریکایی گفت که:

«برداشت ما از اشارات امین این بود که وی آمده است که خط دیورند را بپذیرد.»

اشتیاق امین به تأمین رابطه نزدیک با امریکا نیز افزایش یافت. در حالی که علاقه و مساعی حفیظ الله امین غرض تأمین مناسبات نزدیک با امریکا و پاکستان شاهد و سند پیوند او با سی.ای.ای تلقی شده نمی تواند، نکته قابل بحث دوران حاکمیت کوتاه وی، عملکرد متضادش غرض ایجاد مناسبات با ایالات متحده امریکا همزمان در روابط موجودش با شوروی بود. خطر امین برای شورویها که کمر به قتل او و سرنگونی حکومتش بستند قبل از آنکه از رابطه وی با سی.ای.ای بر میخواست، ریشه در سیاست و عملکرد بحران آلود و غیر قابل مهار

موصوف در داخل حزب و حکومت حزبی داشت. امین علی رغم وابستگی و وفاداری اش به شوروی، با سیاست و عملکرد سرکوب و انحصار در بیرون و درون حزب دمکراتیک خلق، حاکمیت این حزب را بسوی سقوط و فروپاشی برد. مسکو سقوط دولت حزب دمکراتیک را خلق نمی پذیرفت و حاکمیت این حزب را در افغانستان همسو با آنچی که منافع حیاتی خود می پنداشت، تلقی میکرد.

در حالی که روس ها هیچگاه اسناد و شواهد رابطه امین با سی. آی. ای را پس از سرنگونی حکومت امین ارائه نکردند، امریکایی ها نیز نه آن زمان و نه بعداً از روابط امین با سی. آی. ای سخن نگفته اند. بر عکس، دیپلماتهای امریکایی در سفارت کایل به شمول "آدولف دبس" سفیر مقتول ایالات متحده هر گونه ارتباط امین با سی. آی. ای را مورد تردید و تکذیب قرار دادند.

3 - امین؛ شخصیت مستقل و ناسیونالیست:

فرضیه ناسیونالیسم و استقلالیت امین در بریدن از شوروی به حد اتهام رابطه و وابستگی او به C.I.A می تواند یکی از عوامل وسوسه انگیز و تحریک آمیز در لشکر کشی شوروی باشد. ناسیونالیسم و آزادیخواهی امین از سوی هواداران او در داخل حزب دمکراتیک خلق مطرح می شود که بر خلاف جناح پرچم و رهبر آن ببرک کارمل در صدد آن بود تا حزب و دولت حزبی را از سلطه و کنترل شوروی بیرون کند.

برخی از ژورنالیستان و محققین خارجی نیز از آزادیخواهی و استقلالیت حفیظ الله امین در برابر نفوذ و سلطه شوروی نام میبرند. "سلیک هریسن" نویسنده و خبرنگار امریکایی که در تابستان 1357 خورشیدی با امین در مسند وزارت خارجه به گفتگوی مطبوعاتی پرداخت، میگوید: «پالیسی امین این بود که به شوروی ها در امور افغانستان حق آنقدر نظارت را ندهد که اتحاد شوروی با دادن کمک های هنگفتی در اعمار خویش از آن بر خوردار بود. دو مصاحبه طویل با امین که یکی آن بتاريخ 6 جون و دیگر آن بتاريخ 13 آگست 1978 صورت گرفت، نشان داد که امین ناسیونالیست سرسخت، آزاد منش و مغرور و متکی به نفس خود بود.» اگر پالیسی امین به گفته نویسنده و خبرنگار امریکایی، ندادن حق نظارت به شوروی در امور افغانستان بود و این پالیسی از غرور ناسیونالیستی و آزاد منشی امین ناشی می شد، ولی امین در عملکرد خویش مسیر متناقض با این پالیسی را پیمود. نگاه به تحولات و دگرگونی های درونی حزب دمکراتیک خلق پس از کودتای ثور 1357 تا زمان عروج حفیظ الله امین در رهبری قدرت و سقوط خونین او از قدرت، پیوسته وابستگی دولت حزب دمکراتیک خلق را در تمام عرصه های حیات به شوروی نشان میدهد.

حفیظ الله امین و مناسبات با شوروی:

یکصد و سه روز رهبری حفیظ الله امین در حزب دمکراتیک خلق و دولت حزبی همراه با فریاد شوروی دوستی و تأکید به این دوستی و وفاداری به نظام و آیدئولوژی شوروی بود:

- 1- امین در این دوره علی رغم تماس ها و تلاش هایش غرض بر قراری روابط با امریکا و پاکستان، به تمام خواست های شوروی پاسخ مثبت گفت.
- 2- از هیئات نظامی و امنیتی شوروی که در طول حکومت صد و سه روزه موصوف بلا وقفه در رفت و آمد به افغانستان بودند، با گرمی استقبال بعمل آورد.
- 3- هیچگونه شرایط و محدودیتی را در رفت و آمد بلا انقطاع مقامات نظامی و امنیتی شوروی وضع نکرد.
- 4- گوش خود را برای شنیدن هرگونه توصیه شوروی ها باز گذاشت.

- 5- مشورت نمایندگان شوروی و مشاورین روسی را در انتقال دفتر و مقر خود از قصر ریاست جمهوری به قصر تپه تاج بیک در دارالامان پذیرفت.
- 6- به ورود قطعات نظامی ارتش سرخ که از آن به قطعات محدود تعبیر گردید، توافق کرد.
- 7- نفوذ و کنترل شوروی بر ارتش و دستگاه های امنیتی افغانستان در دوران حاکمیت حفیظ الله امین بیشتر از گذشته گسترش یافت.
- برداشت و محاسبه امین در گسترش روابط با شوروی علی رغم فضای غبار آلود میان او و شوروی در نتیجه قتل تره کی و اخراج سفیر شوروی چه بود؟
- اعتماد حفیظ الله امین به نیروی شوروی به عنوان قوای خارجی و بیگانه ای که سپس دست به قتل او زدند بر چه معیار و مبنایی استوار بود؟
- اگر امین به شوروی ها اعتماد نداشت، از آنها چگونه خواست تا برای حفاظت او و حکومتش قوای نظامی بفرستند؟

وفاداری و اعتماد به شوروی:

حفیظ الله امین پس از برکناری و قتل تره کی به این گمان بود که شوروی ها دیر یا زود متقاعد می شوند که وی در رهبری حزب دمکراتیک خلق و دولت حزبی می تواند روابط مشابه تره کی را با مسکو برقرار کند و بهتر از تره کی مجری تمایلات و اهداف شوروی ها باشد. حتی امین شوروی را در برقراری مناسبات گسترده و اعتماد به خود بیشتر از خویش نیاز مند احساس میکرد و این ذهنیت را مدت ها قبل از احراز رهبری در حزب و حاکمیت داشت. باری در مسند وزارت خارجه به خبر نگار امریکایی در تابستان 1978 گفت: «شما امریکایی ها در مورد ما نباید تشویش داشته باشید. ما افغانانیم، ما میدانیم که با روس ها چطور سلوک باید داشته باشیم. بیاد داشته باشید که آنها بما آنقدر ضرورت دارند که ما برای ایشان داریم. حتی ضرورت آنها بما بیشتر از ضرورت مابه آنها است. ...»

بعید به نظر می آید که امین در محاسبات خود مبنی بر اعتماد و وفاداری به شوروی تنها به حدس و گمان تکیه کرده باشد. امین این پیام و اطمینان را از برخی نمایندگان دستگاه های قدرت شوروی در کابل یافته بود. الکزاندر موزورف نماینده کی.جی.بی در افغانستان از قول "وی پی. زیلاتین مشاور سیاسی ارتش افغانستان در سال 1979 میگوید:

«ما، در حالت دفاعی قرار داشتیم. زیرا بعضی از مشاورین و متخصصین ما در کابل در مقابل مشکلاتی که در حزب دمکراتیک خلق وجود داشت عکس العمل زایدالوصفی را از خود نشان میداد. خلاصه راپور های شان به مسکو این بود که همه چیز رو به اضمحلال گذاشته و امین به ما خطری را تشکیل میدهد. مشاهده می شد که جنرال گورلوف (رئیس استخبارات نظامی شوروی در کابل) بر آشفته و مضطرب بود. من هم در اضطراب بودم. نظر ما این بود که می شود با امین کار کرد! وی دشمن اتحاد شوروی نیست و ما باید از استعداد و لیاقت زیادش به نفع خود بهره برداری نمائیم. ...»

زیلاتین به اوستینوف وزیر دفاع مکتوبی داد که از طرف امین به برژنف فرستاده شده بود. امین از برژنف تقاضای ملاقات کرده و خواسته بود که سخنش سنجیده شود. "وی فکر میکرد که اطلاعات غیر واقعی به مسکو میرسد. متأسفانه که ایشان نخواستند که در چنین یک لحظه حساس با وی صحبت نمایند

چند هفته بعد از این مذاکرات جنرال گورلوف از مقامش در کابل برطرف گردید. به همین منوال پالو فسکی که به اوستینوف تلگرامی فرستاده بود که اعزام سرباز به افغانستان مقرون به مصلحت نخواهد بود و هم تقاضا نموده بود که با امین به سطح عالی مذاکرات صورت بگیرد

در ماه نوامبر از کابل احضار گردید. زمانیکه پالوفوسکی به مسکو مواصلت کرد برایش معلوم گردید که به توضیحاتش در مورد افغانستان کسی گوش نمیدهد.» نماینده استخبارات نظامی شوروی (جی.آر.یو) و مشاور سیاسی شوروی در ارتش افغانستان وقتی در پایتخت شوروی از امین بدفاع می پرداختند و به زمام داران شوروی توصیه میکردند که امین دشمن شوروی نیست و می توان با او کار کرد، مسلماً در کابل بسیار بیشتر از آن، صدای اعتماد و دوستی شوروی را به گوش امین میرساندند. نقطه اصلی اتکای امین در اعتماد به شوروی از این جا ناشی می شد. علی رغم نشانه هایی از پارادوکس و تناقضی که در تمایل شدید امین به برقراری مناسبات با امریکا و پاکستان و چگونگی روابطش با شوروی در این دوره به مشاهده میرسد، او در صدد بازی کردن با شوروی ها نبود. بر خلاف، این شوروی ها بودند که با امین بازی کردند. وزیر مخابرات امین که در آخرین روز حاکمیت امین غرض وداع با وزیر مخابرات شوروی عازم فرودگاه کابل بود در پاسخ به پرسش یکی از همراهان خود که این همه عساکر شوروی متواتر از هوا فرود می آیند چه خبر است، گفت: «غم نخور! این ها به موجب یک موافقت نامه کمک با ما آمده اند و خواهی دید که به زودی دمار از روزگار ضد انقلابیون بر خواهند آورد.»

حفیظ الله امین به برادر خود عبدالله امین در ولایات شمال کشور از ورود نیروی های شوروی بر مبنای توافقات دو جانبه اطمینان داد. عبدالله امین به اطلاع او رسانید که: «شوروی ها بالای دریای آمو پل های (پانتونی) به کار انداخته و قطعات موتر دار و زره دار را از بالای آن عبور داده و به طرف کابل روان اند. و همچنان به میدان هوایی مزار شریف قطعاتی از راه هوا به زمین نشسته و اداره آنجا را بدست گرفته اند. امین در جوابش گفت: مطمئن باش حرفی نیست این قوا به موجب یک موافقتنامه کمکی که در بین ما امضاء شده است به طرف کابل و بگرام می آیند و به ما تجهیزات میرسانند.»

بازی مسکو با امین و فیصله نامه 176:

بازی با حفیظ الله امین و اتخاذ سیاست دوگانه از سوی مسکو در مورد او از نخستین فیصله های رهبران حزب کمونیست شوروی و نخستین گام در فرآیند حمله نظامی و قتل او بود. بررسی اوضاع و ارایه گزارش به رهبران شوروی و آماده ساختن امین جهت توافق و پذیرش نیرو های شوروی از وظایف هیئاتی بود که به پایتخت افغانستان می آمدند و با امین و مقامات دولت او گفتگو میکردند. آنچی که برای شوروی ها اهمیت داشت، توافق امین به ورود نیروهای نظامی شوروی و اعتماد او به این نیروها بود. روس ها بسیار آسان به این توافق و اعتماد امین دست یافتند.

یکی از نکات قابل پرسش در حمله نظامی شوروی به افغانستان به مرجع تصمیم گیرنده به این حمله بر می گردد. در سند مهم و سری کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی که در سال 1992 پس از فروپاشی شوروی علنی گردید، مشاهده می شود که فیصله حمله نظامی به افغانستان در حلقه معدود 9 عضو بیروی سیاسی حزب کمونیست (سوسلف، گریشن، گریلینکو، پیلش، اوستینوف، چرنینکو، اندروپف، گرومیکو، تیخانوف و پونوماریوف) اتخاذ شد. این سند که به فیصله نامه 176 معروف است، توسط "کنستانتین چرنینکو" به قلم نگاشته شده بود. "یوری گانکوفسکی"، مدیر پروژه افغانستان در مؤسسه مطالعات شرقی از قول "ر.الف اولیانو فسکی" یکی از اعضای اداری کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی که در جلسه مذکور حاضر بود، میگوید: «گرومیکو از جلسه ریاست نمود و اوستینوف در رأس میز طویل پهلوی نشسته بود.

اندروپوف در پهلوی میز نزدیک به دیوار جا گرفته بود. ده یا یازده نفر اعضای کمیته مرکزی در بیخ دیوار مقابل، یک اندازه دورتر نشسته بودند. تقریباً بعد از نیم ساعت استماع راپور ها که از طرف مشاورین قرائت می شد برژنف به اتاق در آمد. گرومیکو از بازویش گرفت و همراهیش کمک نمود که بصورت لرزان دورا دور اتاق بگردد و هر یک از اشخاص حاضر را در آغوش بکشد. وی چندین مرتبه به افتیدن نزدیک شد. بعد از آن گرومیکو در گوشش طوری نجوا نمود که حرفش بکلی شنیده می شد و به برژنف گفت: "معلومات تازه به جلسه عرضه شده که نشان میدهد که امین تا چه حد بد، تا چه حد ماجرا جو و تا چه حد غیر قابل پیش بینی است. برژنف برای دوسه دقیقه خاموش بود. بعد از آن دفعتاً به پا ایستاد، مشت‌هایش را به میز کوفت و گفت: "مرد ناپاک" و از اتاق خارج شد."

مقدمات یورش نظامی بر افغانستان قبل از فیصله نامه 176 در اوایل نومبر 1979 آغاز گردید. قوای مهاجم که بعداً نام ارتش چهل شوروی را گرفت به این منظور در ترمز ازبکستان و حوزه ترکمنستان تشکیل شد؛ هرچند مارشال استینوف وزیر دفاع شوروی تصمیم رهبران شوروی را در اوایل دسمبر در جلسه رهبری هیئت وزارت دفاع و برخی ژنرالان ارشد و با صلاحیت اعلان کرد.

یورش 333 و شامگاه ششم جدی 1358:

تا سحرگاه ششم جدی 1358 (27 دسمبر 1979) بوسیله صد ها پرواز هوایی، پنج هزار تن از نیروهای فرقه 103 کماندو، وارد فروگاه کابل و بگرام شدند. تا ظهر این روز نیروهای زرهی فرقه 108 که روز 25 دسمبر با عبور از فراز آمو راه کابل را در پیش گرفته بودند، وارد حومه پایتخت گردیدند و با نیرو های کماندویی فرقه 103 ارتباط بر قرار ساختند. مشاورین شوروی در قطعات ارتش افغانستان ورود این نیروها را انجام تمرینات نظامی وانمود میکردند. هیچ گونه حالت اضطرار در داخل دولت و حزب حاکم به چشم نمی خورد.

امین ظهر آنروز در کاخ تپه تاج بیگ میزبان اعضای دفتر سیاسی حزب دمکراتیک خلق بود و به آن ها از کمک های نظامی و مالی شوروی اطمینان میداد. اما آشپز روسی اش در آشپز خانه مصروف زهر آلود ساختن غذای او بود و نیروهای شوروی در بیرون کاخ، خود را برای انجام یک عملیات نظامی غرض سرنگونی حکومت موصوف آماده میکردند. طرح مسمومیت امین توسط دیپارتمنت هشت کی-جی-بی تحت رهبری اندروپوف رئیس کی. جی. بی اتخاذ گردیده بود. این دیپارتمنت یکی از اعضای کی. جی. بی را بنام "تالییوف" به عنوان آشپز وارد قصر امین ساخت. در حالی که پلان مسمومیت امین توسط آشپز شوروی او در ظهر بیست و هفتم دسمبر (6 جدی) با موفقیت عملی شد و امین پس از صرف نهار در بیهوشی و کوما رفت، پزشکان شوروی در بی خبری از برنامه عملیات سرنگون سازی، او را تا شروع عملیات نظامی به هوش آوردند.

یورش 333 آغاز یافته بود. نیروی های مهاجم به قصر اقامت امین بوسیله واحد ها یا جز و تام های ویژه کی.جی.بی که قبلاً در کاخ تپه تاج بیگ محل اقامت امین، دارالامان و سفارت شوروی جابجا شده بودند کمک می گردیدند:

«این جزو تام ها(یگانها و واحد ها) هیچ تفاوتی با یک جزو تام افغانی نداشتند. افراد آن که ملبس با یونیفورم افغانی بودند، اطراف قصر را مین گذاری کردند..... قطعات مهاجم "الفا" را "نیکولای بریلیف" و "زینت" را "بویارنیف" از افسران کی.جی. بی فرماندهی میکردند. این قطعات چند عراده ماشین محاربوی و دستگاه "شلیکا" در اختیار داشتند. هجوم به کاخ امین بنام "یورش 333" در شامگاه 27 دسمبر 1979 (ششم جدی 1358) ساعت 6 و 25 دقیقه آغاز یافت.»

آخرین نفس های میزبان در توهم کمک مهمانان:

حفیظ الله امین اطلاع جانداد قوماندان گارد محافظ قصر خود را که آتشباری از طرف روس ها است، نپذیرفت. خانم امین سالها بعد در مصاحبه با رادیو بی.بی.سی گفت: «امین صاحب به جانداد قوماندان گارد گفت ببین که فیر می کند؟ جانداد معلومات گرفت و آمد به امین صاحب گفت: این طور معلوم می شود که فیر از طرف روس ها با شد. اما امین صاحب گفت: نه!»

داکتر الکسی یف داکتر روسی معالج او که شاهد قتل امین در شامگاه 27 دسمبر 1979 بود میگوید:

«امین به یاور خود دستور داد به مشاورین نظامی شوروی زنگ بزند و آنان را خبر کند که به کاخ حمله شده است. و آنگاه گفت که شوروی ها کمک می کنند. یاور به امین گفت این شوروی ها اند که آتش باری میکنند. این سخنان، دبیر کل(امین) را از خود بیخود ساخت خاکستر دانی سیگار را گرفته به سوی یاور پراند و به خشم فریاد زد:

"دروغ میگوئی این امکان ندارد." پس خود کوشید، با رئیس ستادکل و فرمانده قوای چهارم زره دار تماس بگیرد. مگر ارتباطات قطع بود.....»

امین حتی تا آخرین لحظات حیاتش سخنی از بی اعتمادی و سوء ظن در مورد شوروی به خانواده خود نگفته بود. زیرا خانم امین و فرزندانش نیز باور نداشتند که حمله در آن شامگاه 6 جدی 1358 (27 دسمبر 1979) به کاخ اقامت امین از سوی نیروهای شوروی باشد. آنها گمان میکردند که نیروهای شوروی در دفاع از امین با کسانی می جنگند که به قصر یورش آورده اند. از این رو دختر امین به نظامیان شوروی که وارد اتاقی شدند که او با پدر و اعضای خانواده اش به سر میبرد گفت چرا شلیک می کنید، امین این جا است. همسر امین می گوید:

« به محض داخل شدن با ماشیندار یا مسلسل به چهار طرف شلیک کردند. در اثر این شلیک ها به دخترانم ملالی و گلالی و پسرم خوازک گلوله اصابت کرد. در حالی که آنها عکس امین را بدست داشتند، بسوی دخترم غتی رفتند. غتی به آنها گفت چرا شلیک می کنید، امین صاحب اینجاست. گفتند که امین کجاست؟ در این حال متوجه شدند که امین آنجا نشسته است. بر او شلیک کردند.....»